



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

		
سخن‌روز		
امام علی (ع):		
بادشمن دانای خود مشورت کن و از نظر دوست نادان خود بپرهیز.		
غزاله‌الحکم، ۲۴۷۱		

		
		

		
«مجید مظفری» گواهینامه درجه یک هنری دریافت می کند		
آیین اهدای گواهینامه درجه یک هنری به مجید مظفری، بازیگر پیشکسوت و چهره شناخته‌شده سینمای ایران، برگزار می‌شود. این مراسم روز سه شنبه ۲۷ مرداد ساعت ۱۴:۳۰ در سالن سیف‌الله داد سازمان سینمایی برگزار می‌شود و پیش از مراسم نیز در ساعت ۱۲:۳۰ نسخه مرمت شده فیلم «مسافران» ساخته زنده یاد بهرام بیضایی و با بازی مجید مظفری پخش خواهد شد. / صبا		

		
یادداشت		
		
		
مهرداد ادهمی		
روزنامه‌نگار		

		
درباره زنده‌یاد مسعود امیرلویی که بخشی از حافظه عکاسی ایران بود		
مردی که به نسلش امکان دیدن داد		
مرگ بعضی آدم‌ها فقط خبر رفتن یک نفر نیست؛ خبر پایان بخشی از یک دوره است. با رفتن آنان، ناگهان درمی‌یابیم انسانی که از میان ما رفته، تنها صاحب یک نام و یک کارنامه نبوده، بلکه بخشی از حافظه جمعی یک حرفه، یک نسل و یک دوره فرهنگی بوده است. مسعود امیرلویی از همین آدم‌ها بود؛ کسی که حضورش را نمی‌توان تنها در عنوان «عکاس» خلاصه کرد. زیرا ردیای زندگی حرفه‌ای او در آموزش، مطبوعات، تربیت نسل جوان و گسترش نگاه عکاسانه نیز باقی مانده است. خبر درگذشت مسعود امیرلویی برای جامعه عکاسی ایران، یادآور فقدان یکی از چهره‌های مؤثر این عرصه است؛ اما شاید مهم‌تر از خود خبر، فیرتی باشد برای بازخوانی دوره‌ای از تاریخ عکاسی ایران که با فاصله گرفتن از آن، همیشه بیشتر آشکار می‌شود. امیرلویی متولد ۱۳۳۷ بود و تحصیلات دانشگاهی خود را نیز در عرصه عکاسی دنبال کرد. او کارشناسی عکاسی را از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد عکاسی را از دانشگاه هنر دریافت کرد. اما مسیر حرفه‌ای‌اش به تحصیلات دانشگاهی محدود نماند. عکاسی، آموزش، داوری و فعالیت مطبوعاتی، «وجه مختلف حضور او در عرصه هنر و فرهنگ ایران بود. سال‌ها آموزش داد، با نسل‌های مختلف علاقه‌مندان و فعالان عکاسی در ارتباط بود و در جشنواره‌ها و رویدادهای عکاسی به عنوان داور حضور داشت. با این همه، یکی از مهم‌ترین وجوه کارنامه او را باید در ارتباط با «مجله عکس» جست‌وجو کرد. در روزگاری که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی وجود نداشتند و دسترسی به کتاب‌ها، مجلات و منابع تصویری جهان بسیار دشوارتر از امروز بود، یک نشریه تخصصی می‌توانست نقشی بسیار فراتر از یک رسانه داشته باشد. برای بسیاری از جوانان علاقه‌مند عکاسی، مجله عکس فیرتی بود که از فضای محدود پیرامون گشوده می‌شد و آنها را با جهان وسیع‌تر عکاسی آشنا می‌کرد. امیرلویی در دوره‌ای که مدیریت و سردبیری مجله عکس را بر عهده داشت، در تثبیت جایگاه آن در فضای فرهنگی و حرفه‌ای عکاسی ایران سهم مهمی داشت. اهمیت این نقش ازنباید با معیارهای امروز سنجید. امروز با چند لیس ساده می‌توان به هزاران تصویر، مقاله، گفت‌وگو و آرشیو دسترسی پیدا کرد؛ اما آن روزها، رسیدن یک شماره مجله به دست یک جوان می‌توانست اتفاقی جدی باشد؛ اتفاقی که اولین آشنایی او با یک عکاس بزرگ، یک جریان تازه یا حتی اولین جرقه انتخاب مسیر حرفه‌ای‌اش را رقم بزند. برای بسیاری از جوانان آن نسل، مجله عکس نوعی مدرسه غیررسمی بود. جوانی را تصور کنیم که در گوشه‌ای از ایران دوربین به دست گرفته، شیفته عکاسی است؛ اما منابع چندانی در اختیار ندارد. ناگهان شماره‌ای از مجله به دستش می‌رسد؛ عکس‌هایی می‌بیند که پیش‌تر ندیده، نام‌هایی تازه می‌شناسد و درباره شیوه نگاه عکاسان مختلف می‌خواند. در همان لحظه درمی‌یابد جهان عکاسی بسیار بزرگ‌تر از چیزی است که تا آن زمان تصور می‌کرده است. اهمیت یک رسانه فرهنگی دقیقاً در همین جاست؛ زمانی اثرگذار است که بتواند آشنایان ده جهان مخاطب خود را تغییر دهد. مجله عکس برای بسیاری نقشه‌ای داشت و امیرلویی یکی از کسانی بود که در شکل‌گیری و استمرار این جریان سهم داشت. او در دوره‌ای فعالیت می‌کرد که عکاسی ایران برای تثبیت جایگاه خود به عنوان هنر و حرفه، به رسانه، آموزش، نقد و ارتباط با جهان نیاز داشت. هنوز باید درباره زبان عکاسی سخن گفته می‌شد، مخاطب با عکاسی جدی آشنا می‌شد و فاصله میان عکاس ایرانی و جریان‌های جهانی این هنر بسیار بیشتر از امروز بود. از این منظر، سردبیری یک نشریه تخصصی صرفاً انتخاب عکس و تدوین مطلب نبود؛ نوعی آینه‌نگری فرهنگی بود. سردبیر باید تشخیص می‌داد چه چیزی ارزش دیده‌شدن دارد، چه موضوعی باید مطرح شود و کدام عکاس باید معرفی شود. بخشی از این تلاش برای امروز نبود؛ برای فردا بود، برای جوانی که هنوز عکاس نشده بود و برای نسلی که بعدها خود به عکاس، مدرس، نویسنده، داور یا مدیر فرهنگی تبدیل می‌شد. امروز، در روزگار و ففر تصویر، شاید درک اهمیت آن دوره دشوار باشد. مسأله نسل امروز کمبود تصویر نیست؛ انباشت تصویر است. اما نسل امیرلویی با مسأله دیگری روبه‌رو بود؛ چگونه باید جهان تصویر را پیدا کرد؟ آن روزها هر کتاب تخصصی ارزش داشت، هر نمایشگاه اتفاق بود و هر شماره مجله می‌توانست پنجره‌ای تازه به جهان عکاسی باز کند. یک مجله می‌توانست روایی یک جوان را جدی کند و مسیر زندگی او را تغییر دهد. مسعود امیرلویی اکنون از زندگی‌های پررنگ ما به حافظه عکاسی ایران کوچ کرده است. شاید نتوان گفت چند نفر به واسطه مجله عکس عکاسی را جدی‌تر شناختند یا چند جوان با وزن ورق صفحات آن مسیر حرفه‌ای خود را انتخاب کردند. اینها اعداد قابل محاسبه نیستند. اما می‌توان نتیجه را از نسلی دید که امروز خود بخشی از تاریخ عکاسی ایران است. آدم‌ها می‌روند، اما اثرشان در دیگران ادامه پیدا می‌کند. مرگ، قاف آخر زندگی هر انسان است، اما برای هنرمند همیشه آخرین قاب نیست. قاب‌های دیگری وجود دارند که دیگران می‌سازند؛ با خاطراتشان، با آثاری که باقی مانده، با شاگردانی که تربیت شده‌اند و با نسلی که در پرتو حضور او راه خود را پیدا کرده است. مسعود امیرلویی فقط عکاسی نکرد؛ در ساختن فرهنگی که در آن «دیدن» اهمیت پیدا کند، سهم داشت. جامعه عکاسی ایران امروز تنها برای یک عکاس سوگوار نیست؛ برای بخشی از حافظه فرهنگی خود سوگوار است. امیرلویی رفت، اما پنجره‌ای که او و هم‌نسلش به روی جهان عکاسی گشودند، هنوز باز است. آن سوی قاب، هنوز عکس هافنس می‌کشند.		

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران		
• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری		
• مدیرعامل: علی متقیان		
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • فایمر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مستقرین: ۸۸۷۴۸۸۰۰		
• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۵		
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم		
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارندۀ گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT		
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳		

		
		

		
زمان پخش		
سریال جدید «آیدا پناهنده»		
سریال تاریخی «سرخ و سیاه»، اثر جدید آیدا پناهنده که در پخش مسابقه جشنواره بین المللی سریال کن به نمایش درآمد، حوالی زمستان در شبکه نمایش خانگی منتشر می‌شود. قصه «سرخ و سیاه» که پیش‌تر با عنوان «چادوی سفید» شناخته می‌شد روایتی از زندگی و زمانه بانوان ایرانی در دوران قاجار است. بازیگرانی چون پارسا پیروفر، علی شادمان، رضا بهبودی، پردیس پورعابدینی، پوریا رحیمی‌سام و ندا جبرائیلی در این سریال ایفای نقش کرده‌اند. / ایستا		

		
		

		
		

		
آنها را پایین دانست. در کنار این موضوع، رشد جمعیت جوان و تحصیلکرده علاقه‌مند به هنر و توسعه فضای مجازی، سامانه‌های فروش بلیت و بسترهای معرفی و تبلیغ آثار هنری، به گفته او توانسته‌اند هنرمند، زیرساخت و مخاطب را بیش از گذشته به یکدیگر متصل کنند.		

بیش از ۷۰ درصد زیرساخت‌های فرهنگی پس از انقلاب ساخته شده		
شفیعی با رد این ادعا که پس از انقلاب اقدام قابل توجهی برای ساخت زیرساخت‌های فرهنگی و هنری انجام نشده است، گفت: «بیش از ۷۰ درصد مجتمع‌های فرهنگی و هنری، تالارهای نمایشی، نگارخانه‌ها و دیگر فضاهای فرهنگی کشور پس از انقلاب ساخته شده‌اند.» او البته تأکید کرد: «با وجود این ظرفیت‌ها، زیرساخت‌های موجود همچنان متناسب با نیاز هنرمندان و مخاطبان نیست و باید توسعه پیدا کند. از نگاه او، مسأله امروز علاوه بر کمبود برخی فضاها، افزایش بهره‌وری از امکانات موجود است.» بیش از ۷۰ درصد زیرساخت‌های فرهنگی پس از انقلاب ساخته شده شفیعی با رد این ادعا که پس از انقلاب اقدام قابل توجهی برای ساخت زیرساخت‌های فرهنگی و هنری انجام نشده است، دانست: «بیش از ۷۰ درصد مجتمع‌های فرهنگی و هنری، تالارهای نمایشی، نگارخانه‌ها و دیگر فضاهای فرهنگی کشور پس از انقلاب ساخته شده‌اند.» او البته تأکید کرد: «با وجود این ظرفیت‌ها، زیرساخت‌های موجود همچنان متناسب با نیاز هنرمندان و مخاطبان نیست و باید توسعه پیدا کند. از نگاه او، مسأله امروز علاوه بر کمبود برخی فضاها، افزایش بهره‌وری از امکانات موجود است.» اقتصاد هنر بر سه ضلع هنرمند، زیرساخت و مخاطب استوار است شفیعی اقتصاد هنر را وابسته به سه عنصر «هنرمند، زیرساخت و مخاطب» دانست و گفت ضعف هر یک از این عناصر می‌تواند مانع شکل‌گیری اقتصاد پایدار هنر شود. او افزایش مراکز آموزشی، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های هنری را موجب رشد تعداد هنرمندان دانست و با اشاره به فعالیت ۸۷ آموزشگاه هنری در کرمانشاه، این رقم را قابل توجه ارزیابی کرد. به گفته او، رقابت میان آموزشگاه‌های رای‌الته آموزش با کیفیت و جذب مخاطب می‌تواند به ارتقای فعالیت‌های هنری کمک کند. معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین تعداد فضاهای فرهنگی و هنری کشور را قابل توجه اما میزان بهره‌وری از		

		
		

		
و هم و رویا را از واقعیت جدا کرده و مرگ و زندگی را از یکدیگر تمیز می‌دهد. مرگی که از تابلوهای نقاشی سفید که نمایانده رویاهای بر باد رفته کارکترهای دختر و پدر هستند، بر پشت پرده هویداست و در نهایت پدری که بر پشت همین پرده قرار می‌گیرد و به آغوش مرگ می‌رود. میزهایی که نماینده یک میز کلاس، میز شام، تختخواب، سنگ غسل‌خانه و صندوق پول فروشگاه هستند. در طراحی لباس نیز یک این همانی وجود دارد. پدر و دختر در روند روایت، هر دو در مسیر مهاجرت قرار می‌گیرند و اتفاقات مشترکی را به شکلی متفاوت و در زمانی پس و پیش از سری می‌گذرانند و حال در یک طراحی لباس مربوط به یک طبقه و نحله فکری، با تنالیت زنگی و بافت مشاباه ظاهری می‌شوند. یک این همانی‌ای که در عین تناقضات درونی دو کاراکتر، در نهایت ظاهری مشابه پیدا می‌کنند.		
به عنوان کارگردان، دوست دارید مخاطب بعد از خروج از سالن چه برداشتی را با خود ببرد؟		
به تعداد اجراهایی که روی صحنه رفتم، برداشت‌های متفاوت از اجرا پیمان شجیه‌دیم، اما مهم‌ترین برداشت برای من «آگاهی» است. اینکه هرکنشی در زندگی مراتبی در پیش دارد که شاید بر خلاف میل یا موافق میل ما باشد؛ آگاهی داشتن به هر کدام و سپس تصمیم برای آن است که می‌تواند موجب پیشرفت هر انسانی شود. شاید آگاه شدن، کلمه‌ای باشد که دوست دارم از فکر مخاطب‌مان بگذرد. آگاهی از دو طیف مثبت و منفی، نه فقط یک نگاه تک‌سویه. گرچه در کنار این مفهوم، علاقه دارم		

		
موضوع مهاجرت، در آثار نمایشی تا چه حدی ظرفیت پرداخت دارد؟		

«آن‌دره» در طول اجراها، حتی با اثر دیگری هم در یک سالن روی صحنه رفته که دقیقاً

موضوع مهاجرت را هدف قرار داده است.

دید متفاوت، تکررات متعدد، همواره زمینه را برای پرداختن به این موضوع در آثار نمایشی باز می‌گذارد که می‌توان از زوایای مختلف به آن پرداخته شود.		
--	--	--

• صاحب امتیاز:		
خبرگزاری جمهوری اسلامی		
• مدیر مسئول:		
صادق حسین جابری انصاری		
• سردبیر:		
هادی خسروشاهین		

		
		

«علی قمصری» در تالار وحدت		
علی قمصری در تازه‌ترین پروژه خود، کنسرت «آنچه نگذشت...» را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد. این اجرا با حضور ارکستر جوانان پارس‌زمین، گروه دف‌نوازان هویار و هم‌نوازان حصار برگزار می‌شود. در این کنسرت مصباح قمصری نوازنده بیم‌کمان و کاخن، اشکان مرادی نوازنده کمانچه و حمیدرضا یوسفی نوازنده سازهای کوبه‌ای هستند. صبا پاشایی و گروه هم‌آوایان سکوت نیز در این اجرا حضور دارند. کنسرت «آنچه نگذشت...» از ۳۰ مردادماه در تالار وحدت برگزار می‌شود. / ایران		

		
		

		
		

		
توسعه هنر نباید صرفاً وابسته به بودجه‌های دولتی باشد.		
مدیران فرهنگی باید در کنار هنرمندان، سازوکارهای تازه‌ای برای استفاده از ظرفیت‌های هنری کشور ایجاد کنند		
و زمینه حضور مؤثرتر بخش‌های مختلف در عرصه تولید و فراهم آوردن		
و اجرای جشنواره را فرصتی برای ارائه الگوی تازه در برگزاری رویدادهای ملی دانست.		
هنر: عاملی برای انسجام اجتماعی و تاب‌آوری		
شفیعی با اشاره به جنگ رمضان، بر نقش هنر در تقویت انسجام اجتماعی، تاب‌آوری جامعه و ایستادگی در برابر تهدیدهای خارجی تأکید کرد. او گفت: «این دوره توانمندی‌های مختلف کشور را آشکار کرد و در حوزه هنر نیز ظرفیت بالای هنرمندان برای همراهی با جامعه نمایان شد.» او معتقد است اگر مدیران دولتی کمتر سلیقه‌های شخصی خود را در فعالیت‌های هنری دخالت دهند و امکان تولید و حضور آسان‌تر هنرمندان را فراهم کنند، هنرمندان می‌توانند نقش مؤثرتری در ارتباط با جامعه ایفا کنند. تقاهمنامه‌های هنری با استان‌ها پیگیری می‌شود معاون هنری وزیر فرهنگ، تقاهمنامه‌های معاونت هنری با استان‌ها را ابزار مهمی برای نزدیک‌تر شدن مدیریت فرهنگی به استان‌ها		

		
		

		
		

		
		

تماشاگران تئاتر بسیار هوشمند، تحلیلگر، آگاه و فهیم هستند.		
بنابراین به هیچ عنوان اسیر لفاظی‌ها و گرافه‌گویی آب و رنگ‌ها نمی‌شوند		
و اثر را به ذات بررسی می‌کنند		
به عنوان کارگردان، دوست دارید مخاطب بعد از خروج از سالن چه برداشتی را با خود ببرد؟		
به تعداد اجراهایی که روی صحنه رفتم، برداشت‌های متفاوت از اجرا پیمان شجیه‌دیم، اما مهم‌ترین برداشت برای من «آگاهی» است. اینکه هرکنشی در زندگی مراتبی در پیش دارد که شاید بر خلاف میل یا موافق میل ما باشد؛ آگاهی داشتن به هر کدام و سپس تصمیم برای آن است که می‌تواند موجب پیشرفت هر انسانی شود. شاید آگاه شدن، کلمه‌ای باشد که دوست دارم از فکر مخاطب‌مان بگذرد. آگاهی از دو طیف مثبت و منفی، نه فقط یک نگاه تک‌سویه. گرچه در کنار این مفهوم، علاقه دارم		

		
موسیقی، نور و طراحی صحنه چه نقشی در انتقال احساسات نمایش داشتند و چطور به این زبان بصری رسیدید؟		
هر چهار عنصر موسیقی، نور و صحنه و لباس بسیار به این اثر، هم از لحاظ بار عاطفی و احساسی و هم از جانب پالوده شدن نمایش از آنچه بی دلیل و بدون پشتوانه فکری است، نقش بسزایی داشته است. در طراحی صحنه در ابتدا به سبب حضور دو صندلی، دو میز و پرده‌های بلند سرتاسری در عقب صحنه، شاید بسیار ساده انگاشته شوند اما این حضور پرده‌هاست که		

سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۱۰۰		
• اذان ظهر ۱۲/۰۸ • اذان مغرب ۱۹/۰۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۳ • اذان صبح فردا ۵/۵۵ • طلوع آفتاب فردا ۵/۴۶		

		
		

		
علی حاتمی حافظه فرهنگی ایران را به تصویر کشید		
حاتمی هیچ‌گاه ادعا نداشت که در آثارش مستندات تاریخی را روایت یا تاریخ را بازنمایی می‌کند. تاریخ برای او زمینه‌ای بود برای شکل دادن به روایت و هویت. زبان نیز در آثار او صرفاً ابزار بیان نبود، بلکه یکی از عناصر شکل‌دهنده حافظه فرهنگی به شمار می‌رفت. حافظه فرهنگی نیز همچون حافظه انسانی، حاصل مشارکت جمعی در طول زمان است و از رهگذر آن، هویت فرهنگی شکل می‌گیرد. آثار حاتمی را نمی‌توان صرفاً نوستالژیک دانست؛ بلکه در آنها امیدی برای شکل‌گیری و بازسازی هویتی برخاسته از حافظه جمعی و مشترک وجود دارد. از همین روست که آثار او در قید زمان محصور نمی‌مانند و هر نسل می‌تواند دوباره آنها را بخواند و ببیند و بخشی از هویت فرهنگی خود را در آنها بازشناسد.		

		
رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی در آیین نگداشت زنده یاد علی حاتمی		
		

		
		

		
		

		
		

		
موجود را به‌درستی شناختن و در کنار تقویت فرآیندهای تولید و عرضه آثار، به توانمندی‌های اقتصادی هنر نیز توجه کرد.		
او تأکید کرد: «توسعه هنر نباید صرفاً وابسته به بودجه‌های دولتی باشد. مدیران فرهنگی باید در کنار هنرمندان، سازوکارهای تازه‌ای برای استفاده از ظرفیت‌های هنری کشور ایجاد کنند و زمینه حضور مؤثرتر بخش‌های مختلف در عرصه تولید و عرضه هنر را فراهم آورند.»		

		
		

		
گزارش گروه فرهنگی		

		
معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با هنرمندان، مدیران انجمن‌ها، اصناف، مؤسسات و آموزشگاه‌های آزاد هنری استان کرمانشاه، بر تقویت ظرفیت‌های هنری کشور، تسهیل فعالیت هنرمندان، توسعه زیرساخت‌ها و توجه جدی‌تر به اقتصاد هنر تأکید کرد.		
ظرفیت هنری ایران در منطقه کم‌نظیر است		
شفیعی با اشاره به ظرفیت‌های گسترده فرهنگی و هنری ایران گفت: «کشور از نظر برخورداری از هنرمندان توانمند، پیشینه فرهنگی غنی و جوانان مستعد در رشته‌های مختلف هنری، در منطقه جایگاهی کم‌نظیر دارد.» به گفته او، نباید گرفتار خودکم‌بینی شد، بلکه باید ظرفیت‌های معاون هنری وزیر فرهنگ درباره برگزاری جشنواره هنرهای تجسمی جوانان گفت: «انتخاب این استان حاصل بررسی‌ها و جلسات متعدد بوده و بر اساس ظرفیت‌های فرهنگی و هنری آن انجام شده است.» شفیعی از مسئولان استان خواست جشنواره را صرفاً یک رویداد ملی با محل برگزاری در کرمانشاه نبینند، بلکه با استفاده از ظرفیت هنرمندان و امکانات بومی، الگویی متناسب با فضای فرهنگی استان ایجاد کنند. او حتی حضور گسترده هنرمندان کرمانشاه در مدیریت		

		
		

		
		

		
		

		
مهدی زندیه در گفت‌وگو با «ایران» از نمایش «آن‌برد» می‌گوید دوست دارم «آگاهی» در ذهن مخاطب باقی بماند		
کفت‌وگو حامد قریب گروه فرهنگی		
جغرافیاهای مختلف، بهانه‌ای شد برای گفت‌وگو با مهدی زندیه که نویسنده‌ی کارگردانی این اثر را برعهده داشته است.		
ایده نمایش از چه سالی شکل گرفت و قدری درباره مضمون نمایش توضیح دهید؟		
ایده نمایشنامه «آن‌برد» از سال ۹۲ شکل گرفت. در این نمایش رابطه دختر و پدر جوانی را می‌بینیم که در واقع استحاله‌ای از پدر در سی سالگی و دختر جوانی که همچنان به دید یک نوزاد از جانب پدر به او نگاه می‌شود، لایه رویین این اثر است. پدری که به سبب شغل دختر، یعنی نقاشی و تصویری که همواره فرزندش از او روی بوم		

		
مهم‌ترین چالش شما در تبدیل این متن به یک اجرای صحنه‌ای چه بود؟		
میتانسن‌های نمایش تا چه اندازه از ابتدا طراحی شده بودند و چه مقدار در جریان تمرین شکل گرفتند؟		
مهم‌ترین چالش در شکل‌گیری این اثر از نمایشنامه تا یک اجرای صحنه‌ای، حذف		

		
		